خراسان روزنامه صبح ایران
پنج‌شنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۶ . ۱۷ ذی‌القعده ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۶۰۵

عقب نشینی الیزه از اعطای عنوان «بانوی اول» به همسر ماکرون

کمپین جمع‌آوری امضا در فرانسه، کاخ الیزه را از اعطای عنوان رسمی «بانوی اول» به بریژیت ماکرون همسر رئیس جمهور فرانسه منصرف کرد. در این کمپین، بیش از ۲۹۰ هزار امضا جمع‌آوری شد. داشتن دفتر کار، کارمند و کمک هزینه از اموال عمومی از مزایای اعطای عنوان رسمی «بانوی اول» برای بریژیت بود. قانون اساسی فرانسه، جایگاه رسمی برای همسران ریاست جمهوری این کشور قائل نیست.

تحلیل روز

سید رضا قزوینی غرابی
international@khorasannews.com

سعودی ها قافیه را به اسد باخته اند؟

هر چند اظهارات وزیر خارجه سعودی که رو راست و صریح به مخالفان اسد گفته بود "بشار اسد در قدرت باقی خواهد ماند "بلافاصله توسط ریاض تکذیب شد اما پیش از آن هم برخی پایتخت های غربی گفته بودند سرنوشت اسد دیگر برای آنان مطرح نیست. علاوه بر آن، دستور ترامپ برای توقف آموزش نیروهای ارتش آزاد سوریه توسط سازمان سیا را نیز باید به فهرست غافلگیری های مکرر مخالفان اسد افزود. به همراه سعودی ها مقامات اماراتی نیز به چنین نتیجه ای رسیده اند. گفته می شود ابوظبی به آمریکا و غرب اطلاع داده به دنبال ماندن اسد در صحنه سیاسی است. هفت سال جنگ مستمر و طاقت فرسا در سوریه که در ماه های اخیر کفه آن به شدت به سود مسکو، تهران، حزب ا... و اسد سنگین شده است، دلایل ناکامی ویأس واشنگتن از ماجراجویی در سوریه است. به نظر می رسد واشنگتن و به تبع آن همپیمانان منطقه ای اش، به این نتیجه رسیده اند که سوریه سهم آن ها نیست. گروه های مخالف اسد بازوی اجرایی کشورهای غربی و عربی به شمار می روند و هر گونه حذف آن ها از صحنه یا تضعیف آنان اهرم های فشار بر اسد، روسیه و ایران را ضعیف تر می کند. در این شرایط، ترکیه نیز از هفته گذشته کمک های مالی خود به ائتلاف مخالفان را که حدود ۳۵۰ هزار دلار در ماه بوده، قطع کرده است. اظهارات مقامات سعودی و اماراتی و پیش از آن اقدامات ترامپ، علاوه بر پیروزی های سریع ارتش سوریه و همپیمانانش و نزدیک شدن آن ها به رقه و دیر الزور و تنگنای مالی مخالفان اسد در کنار اختلافات داخلی آن ها، می تواند مقدمه ای برای غافلگیری های بیشتر مخالفان اسد باشد.

اندیشکده روز

لابی گری ناکام بارزانی در غرب

اندیشکده آمریکایی کارنگی نوشت: روی آوردن کردها به استفاده از حق تعیین سرنوشت - که شاید به برگزاری همه‌پرسی منتهی شود - فقط یک رقابت صرف میان اربیل و بغداد نیست بلکه رقابتی است بر سر قدرت میان احزاب کرد. رقابت میان اربیل و بغداد بر سر به دست آوردن امتیاز بیشتر از حکومت مرکزی عراق ولی رقابت میان خود کردها، بر سر کسب قدرت، درآمد و منابع بیشتر است. رقابت میان احزاب کرد از زمان شروع نبرد با داعش و به چالش کشیده شدن حزب دموکراتیک "مسعود بارزانی" توسط پ ک ک، شدت بیشتری یافت. اکثر ناظران سیاسی بر این عقیده‌اند که همه‌پرسی استقلال کردستان، به استقلال نمی انجامد. به رغم لابی گری شدید در آمریکا و اروپا، اقلیم نتوانست حمایت رسمی حتی یک بازیگر عمده منطقه‌ای یا بین المللی را از همه‌پرسی استقلال، کسب کند. حتی اگر همه‌پرسی برگزار شود و اکثریت شرکت کنندگان به آن رأی مثبت بدهند، با توجه به رأی مثبت ندادن پارلمان عراق به این جدایی، ادعای حقوقی بغداد بر منابع حاصل از فروش نفت کرکوک، بر سر جای خود باقی می ماند و اقلیمی که حالا دیگر دسترسی به هیچ آب آزادی ندارد، برای صادرات نفت خود، باید به حسن نیت آن زمان ترکیه تکیه کند. بارزانی نیز از روی عمد و برای خاموش کردن آتش بحران های داخلی اقلیم، این زمان را (اوایل مهر) برای برگزاری همه‌پرسی انتخاب کرده است. مسعود بارزانی در مواجهه با بحران های داخلی اقلیم، نیاز دارد اعتبار خود را به عنوان یک رهبر ملی، احیا کند.

نسل کشی شیعیان شمال افغانستان در سکوت جهانی

کشته شدن ده ها غیر نظامی، رهایی ۲۳۵ گروگان از دست طالبان و تدارک دولت برای حمله پس از ۵ روز

نبی شریفی
international@khorasannews.com

پنج روز از «نسل کشی» شیعیان در روستای «میرزا اولنگ» شهرستان «صیاد» گذشت. فاجعه ای که هفته جاری در سکوت جهانی اتفاق افتاد. حالا، تازه دیروز والی (استاندار) «سرپل» در شمال افغانستان گفته است نیروهای جدید برای بیرون راندن تروریست های طالبان از این منطقه آماده می شوند. هنوز زمان آغاز عملیات مشخص نشده است.

محمد ظاهر وحدت، والی سرپل می گوید: «میرزا اولنگ دروازه امنیتی صیاد، صیاد دروازه امنیتی سرپل و سرپل دروازه امنیتی ولایات شمالی است.»

تروریست های طالبان یک شنبه گذشته، منطقه میرزا اولنگ، در شهرستان صیاد را به کنترل خود درآوردند و به دنبال آن مقام های محلی گفتند این گروه ۵۲ غیر نظامی را به صورت «فجیعی» به شهادت رسانده است. البته تعداد شهدا افزایش یافته است اما با تسلط تروریست ها بر این منطقه، آمار دقیقی از آن در دسترس نیست. به گزارش یورونیوز، گفته می شود تروریست های طالبان و داعش به طور مشترک پس از تصرف روستای میرزا اولنگ در استان «سرپل» در شمال افغانستان، اقدام به تیرباران غیر نظامیان از جمله کودکان و زنان کردند. مهاجمان در سرپل دست کم ۱۵۰ خانواده را به گروگان گرفته اند و ۲۳۵ نفر از آن ها با میانجی گری ریش سفیدان آزاد شده اند. به گفته سخنگوی والی سرپل ، با وجود درخواست های مکرر برای اعزام نیروهای تازه نفس، هنوز هیچ نیرویی به این استان نرسیده است. ذبیح ا... امانی گفت مهاجمان وابسته به داعش و طالبان پس از ورود به این منطقه، غیر نظامیان را از خانه های خود بیرون و برخی را سلاخی کردند، بعضی را سر بریدند، شماری دیگر را از کوه ها پرت کردند و عده ای دیگر را به گلوله بستند. سخنگوی والی سرپل افزود اجساد قربانیان هنوز هم در محل باقی مانده است و تروریست ها اجازه دفن آن ها را نمی دهند.

همچنین، اعلام شد تروریست ها ۴۰ تن از دختران جوان شیعیان سرپل را برای بردگی جنسی برده اند، خبری که البته دیروز والی سرپل آن را تکذیب کرد.

■ **از جنایت جنگی تا نسل کشی**

«عبدالوحید فرزه یی» کارشناس مسائل سیاسی در مصاحبه با خبرگزاری آوا گفت: اکثر حوادث امنیتی که در افغانستان رخ می دهد، جنایت جنگی است؛ به ویژه حمله علیه افراد بی گناه و غیر نظامی که امکانات دفاعی ندارند، جنایت جنگی و نقض جدی قوانین حقوق بشر دوستانه محسوب می شود. اما، جدا از تمام حوادثی که در افغانستان تا کنون اتفاق افتاده است در میرزا اولنگ، جنایت علیه یک قبیله یا قوم خاص از طرف جریان خاصی صورت گرفته و این «نسل کشی» است که باید از سوی سازمان ملل متحد به صورت جدی بررسی شود.

■ **دولت غنی؛ خواب یا بیدار؟!**

حاکمیت افغانستان از آغاز به کار دولت اشرف غنی تا کنون همیشه نقش «نوشدارو پس از مرگ سهراب» را ایفا کرده است. ظاهر وحدت، والی سرپل می گوید پیش از ورود طالبان به منطقه میرزا اولنگ هشدار داده و خواستار اعزام نیروهای بیشتر به منطقه شده بود. اما، رئیس جمهور غنی در حادثه اخیر نیز، همچون گذشته ضمن ابراز همدردی با خانواده های قربانیان، تاکید کرد: «وعده می دهم که فرزندان دلیر ما در نیروهای دفاعی و امنیتی انتقام آنان (قربانیان) را خواهند گرفت». وعده هایی بی حاصل که همواره پس از عملیات مختلف تروریست ها در افغانستان داده می شود. در این میان مردم نیز از موضع منفعلانه دولت به تنگ آمده اند. در پلاکاردهایی که مردم سرپل در مراسم یادبود شهدای اولنگ در دست دارند، نوشته شده است: «حکومت بیدار شود»، «ما امنیت می خواهیم». خبرگزاری افق در این باره نوشت: «حقیقت این است که مسئول درجه اول فاجعه میرزا اولنگ، نه طالبان، بلکه ارگ ریاست جمهوری، کاخ سپیدار و نهادها و مسئولان امنیتی کشورند. مهم‌تر از این، بی توجهی آنان به شرایط امنیتی موجود در سرپل و خودداری شان از گسیل نیروهای تازه نفس و تقویت عقبه جبهه نبرد با طالبان در این منطقه حساس، به رغم آگاهی شان از جزئی‌ترین اتفاقات میدانی است.» باید از رئیس جمهور غنی پرسید چرا خود را به خواب زده است، در حالی که طی دو سال گذشته و پس از سقوط قندوز، با سرعت شگفت آوری در حال از دست دادن امنیت سرزمینی و واگذاری خاک به تروریست های طالبان و داعش (در شرق) است.

فراخبر

سید احمد موسوی مبلغ
رئیس خبرگزاری اطلس افغانستان

پشت پرده سکوت غرب درباره فاجعه میرزا اولنگ

میرزا اولنگ، در چند سال گذشته، با تکیه بر ساکنان بومی آن که همگی هزاره های شیعه مذهب هستند، مرکز اصلی مقاومت مردمی در برابر گروه های تروریستی و به ویژه نیروهای وابسته به داعش بوده اند و با سقوط این منطقه استراتژیک، راه این گروه ها برای رسیدن به سایر استان های شمالی افغانستان باز شده است. سقوط این منطقه که با کشتار وسیع غیر نظامیان توسط مهاجمان از یک سو و سکوت معنادار دولت افغانستان و نیروهای خارجی از سوی دیگر مواجه شده است، سوالات و ابهام های زیادی را در ذهن همگان ایجاد کرده است. بر اساس خبرنامه هایی که وزارت دفاع افغانستان منتشر کرده است، در دو روز آخری که میرزا اولنگ در برابر گروه های تروریستی مقاومت می کرد، نهادهای امنیتی افغانستان، ۹۰ عملیات نظامی در ۲۰ استان این کشور انجام داده اند. اما سرپل و میرزا اولنگ، هدف هیچ کدام از این عملیات ها نبوده است. این در حالی است که ظاهر وحدت استاندار سرپل و محمد محقق، معاون ریاست اجراییه گفته اند مدام به وزیر دفاع درباره وضعیت بد دفاعی این روستا هشدار می داده اند. اینک سوال اصلی این است که چرا سازمان های امنیتی افغانستان و نیز نیروهای خارجی حاضر در این کشور، نه در زمان تهاجم گروه های تروریستی به میرزا اولنگ و نه تا کنون که تقریبا یک هفته از سقوط منطقه و جنایات صورت گرفته، می گذرد، هیچ واکنشی نشان نداده اند؟ به نظر می رسد دولت افغانستان و کشورهای خارجی مستقر در آن، بر خلاف رویکردی که در استان های جنوبی این کشور از خود نشان می دهند، هیچ اراده ای برای مبارزه با گروه های تروریستی در شمال ندارند. تصور اولیه این است که نیروهای خارجی مستقر در افغانستان، بی میل به قدرت گرفتن گروه های تروریستی در شمال افغانستان و توسعه جغرافیای عمل آن ها در این مناطق نیستند. آسمان افغانستان به طور کامل توسط نیروهای خارجی اداره و کنترل می شود و بر اساس گزارش های موثق منابع محلی، به طور مداوم بالگردهایی در مناطق تحت تسلط گروه های تروریستی در استان سرپل در رفت و آمد بوده است که احتمال می رود در هماهنگی با نیروهای خارجی مشغول ارسال تجهیزات و امکانات به آن نیروها بوده است. ظاهر این طور به نظر می رسد که آمریکا و کشورهای غربی، به دنبال توسعه حضور داعش و سایر گروه های تروریستی در استان های شمالی افغانستان و کشاندن دامنه ناامنی ها به آسیای میانه و روسیه هستند و سکوت معنادار آن ها در برابر فاجعه میرزا اولنگ، می تواند مقدمه ای تلخ بر آینده ای فجیع در این مناطق باشد. دولت افغانستان هم با توجه به مشکلاتی که با آن درگیر است، ضعیف تر از آن است تا بتواند در برابر اراده کشورهای خارجی، مقاومتی نشان دهد و از روی اجبار، باید در مقابل کشتار غیر نظامیان نیز سکوت اختیار کند.

تشدید بی‌سابقه تنش

ترامپ با "آتش و خشم" و پیونگ یانگ با حمله به گوام یکدیگر را تهدید کردند

گروه بین الملل- تنش بین کره شمالی و ایالات متحده وارد مرحله ای خطرناک شده است. ارتش کره شمالی، ایالات متحده را به حمله موشکی در جزیره گوام تهدید کرد. جایی که آمریکا بمب افکن های استراتژیک b-۱ را برای مانورهای نظامی در امتداد شبه جزیره کره اعزام می کند. سخنگوی نظامی پیونگ یانگ نیز گفته این کشور به "جنگ پیشگیرانه "ارتش آمریکا، با یک جنگ تمام عیار پاسخ خواهد داد: «پایگاه ها و سنگرهای حریف، حتی در داخل خود آمریکا منهدم خواهد شد.» تنها چند ساعت پیش از واکنش شدید پیونگ یانگ، دونالد ترامپ، کره شمالی را تلویحا به عملیات نظامی تهدید کرده بود. رئیس جمهور آمریکا گفته بود اگر این کشور به تحریکات خودش ادامه دهد، با "قدرت، آتش و خشم" جوابی خواهد گرفت که دنیا تا کنون به خود ندیده باشد. ژاپن و آمریکا بر این نظرند که کره شمالی، توان نصب کلاهک های اتمی مینیاتوری بر روی موشک هایش را دارد. واشنگتن پست به نقل از منابع موثق امنیتی می نویسد که پیشرفت طرح های موشکی و اتمی کره شمالی به مراتب بیش از آن چیزی است که تا کنون تصور می شد. وزارت دفاع ژاپن نیز کتابی منتشر کرده است که بر چنین مدعایی صحه می گذارد. کشمکش کنونی آمریکا با کره شمالی بسیار خطرناک ارزیابی می شود زیرا ژاپن و کره جنوبی که متحدان ایالات متحده هستند، جزو دشمنان پیونگ یانگ تلقی می شوند و هر دو مورد تهدیدهای اتمی و موشکی این کشور قرار دارند. کره شمالی با وجود همه ممنوعیت هایی که شورای امنیت وضع کرده است و به رغم همه اخطارها، در ۲۸ ژوئیه آزمایش موشکی جدیدی انجام داد. کارشناسان ارزیابی کرده اند که بر دو موشک بالستیک اخیر ۱۰ هزار کیلومتر بوده است. شورای امنیت در واکنش به این آزمایش، شدیدترین تحریم های اقتصادی علیه کره شمالی را تصویب کرد. کیم جونگ اون، پس از آزمایش موشکی یاد شده گفت: خاک آمریکا هم اینک در معرض موشک های ماست. متخصصان آمریکایی گفته اند موشک بالستیک تازه، می تواند سواحل غربی آمریکا را هدف قرار دهد. با این حال، مشخص نیست تهدیدات ترامپ علیه پیونگ یانگ آن قدر ها هم جدی باشد به ویژه این که رئیس جمهور آمریکا از نظر ادبیات، سیاست مداری غیر عادی تلقی می شود، اما اگر روزی بخواهد تهدیدهای خود را درباره کره شمالی عملی کند، احتمال این که جزیره گوام هزینه آن را بپردازد، کم نیست.

■ **انتقاد قانون گذاران آمریکا از ادبیات ترامپ**

واکنش های منفی در آمریکا به هشدار شدیداللحن دونالد ترامپ علیه کره شمالی حتی از بین هم حزبی های ترامپ نیز زیاد بود. پس از انتقاد عضو ارشد دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا از «ترسیم خط قرمز عجیب و غریب» رئیس جمهور آمریکا، یک عضو ارشد کنگره و هم حزبی ترامپ نیز به این تهدید واکنش نشان داد. جان مک کین رئیس جمهوری خواه کمیته امور مسلح سنا در پاسخ به سوال مجری «ان بی سی» درباره این که منظور ترامپ از این تهدید چه بوده است، گفت: «نمی دانم که او درباره چه حرف می زد. من مدت های طولانی است که تلاش برای تفسیر حرف های او را کنار گذاشتم». مک کین ادامه داد: «آن گفته قدیمی که تدی روزولت (رئیس جمهور اسبق) می گوید «به آرامی گام بردار اما یک چوب بزرگ همراهت باشد» همان چیزی است که من فکر می کنم باید به کار برده می شد چرا که (اظهارات تازه ترامپ) ما را به یک درگیری جدی نزدیک تر می کند. فکر می کنم این یک موضوع بسیار بسیار بسیار جدی است». همزمان، پاریس از آن چه «عزم و اراده» دولت ترامپ علیه کره شمالی خوانده است، تمجید کرد. اما سخنگوی وزارت خارجه آلمان از دو طرف درگیر در تنش های شبه جزیره کره خواست تلاش کنند تا از طریق تلاش های دیپلماتیک به حل بحران بپردازند. چین نیز نسبت به بدتر شدن شرایط تنش های شبه جزیره کره هشدار داد.

■ **تیلرسون: آمریکایی ها شب ها آسوده بخوابند**

اما در حالی که اظهار نظر شدید اللحن رئیس جمهور آمریکا علیه کره شمالی، واکنش تهدیدآمیز پیونگ یانگ درباره هدف قرار دادن جزیره «گوآم» آمریکا را به دنبال داشته، «رکس تیلرسون» وزیر خارجه آمریکا گفته است که تهدید کره شمالی، قریب الوقوع نیست و «آمریکایی ها باید شب ها آسوده بخوابند». وی افزود: ردوبدل کردن تهدیدات بین این کشور و کره شمالی، بدان معنا نیست که واشنگتن در حال حرکت به سمت اقدام و گزینه نظامی است. تیلرسون با دفاع از اظهارات جنجالی اخیر ترامپ تاکید کرد این مواضع در واقع ارسال پیامی قوی «به زبانی است که کیم جونگ اون خوب می تواند آن را درک کند».

فراخبر

گوام کجاست؟

گوام جزیره ای است که اگر چه بخشی از خاک آمریکا محسوب نمی شود اما از سال ۱۸۹۸ در قلمروی ایالات متحده قرار گرفته است. مساحت آن تنها ۵۴۱ کیلومتر مربع است. جمعیت گوام هم در حدود ۱۶۰ هزار نفر است. این جزیره کوچک اما اهمیتی دیگر دارد و ۳۰ درصد از مساحت آن را پایگاه های نظامی آمریکا شکل می دهد. در شمال این جزیره، واشنگتن پایگاهی هوایی دارد که از آن برای حملات نظامی در دوره جنگ ویتنام هم استفاده می کرد. در جنوب نیز پایگاهی دریایی قرار دارد و گارد ساحلی آمریکا نیز فعالیت دارند. در مجموع، حدود شش هزار نیروی نظامی ایالات متحده در این جزیره کوچک مستقر هستند. حضور نسبتا گسترده نظامی آمریکا در این شبه جزیره، ناشی از موقعیت راهبردی آن است. نزدیکی گوام به چین، فیلیپین، ژاپن و شبه جزیره کره باعث شده است آمریکایی ها آن را به عنوان پایگاهی نظامی برای دفاع از منافع خود در شرق آسیا برگزینند. فاصله گوام با کره شمالی، حدود سه هزار کیلومتر است بنابراین در برد موشک های بالستیک کره شمالی قرار می گیرد. کوچکی این جزیره باعث می شود که در برابر تعداد بالای موشک های کره شمالی با کلاهک های غیر هسته ای نیز به شدت آسیب پذیر باشد. اما رسیدن این موشک ها به گوام، مانعی جدی دارد. از سال ۲۰۱۳، واشنگتن اقدام به استقرار پدافند موشکی کارآمد «تاد» در جزیره گوام کرده است که می تواند برای دسترسی موشک های کره شمالی به این جزیره در دسر قلمداد شود. با این حال، اگر پیونگ یانگ بتواند با موج موشکی (تعداد بسیاری موشک که همزمان شلیک می شوند) به گوام یورش برد، قادر خواهد بود به پایگاه های آمریکایی این جزیره ضرباتی مهلک وارد کند. این البته منوط به آن خواهد بود پرتاب کننده های موشک های کره ای پیش از آن، هدف حملات پیش دستانه آمریکا قرار نگیرد.

خبرهای متفاوت

مارادونا: من سرباز مادورو هستم

رویترز: دیگو مارادونا، اسطوره فوتبال آرژانتین در صفحه رسمی فیس بوک خود نوشت: تا زمانی که هوگو چاوز، رئیس جمهور فقید ونزوئلا زنده بود ما طرفدار او بودیم. هنگامی که نیکولاس مادورو، رئیس جمهور ونزوئلا دستور دهد من برای یک "ونزوئلای آزاد" لباس سرباز را به تن می کنم و با امپریالیسم و آن هایی که می خواهند پرچم های ما را که مقدس ترین دارایی ما هستند پایین بکشند، مبارزه خواهم کرد. مارادونا به زبان های انگلیسی، اسپانیایی و ایتالیایی نوشت: "زنده باد چاوز... زنده باد مادورو... زنده باد انقلاب". مارادونا به خاطر حمایت از سیاست مداران چپ گرا در آمریکای لاتین کاملا معروف است و یکی از دوستان فیدل کاسترو، رهبر فقید کوبا به شمار می رود. اظهارات مارادونا در فیس بوک انتقاد از نیکه کاپریلس، رهبر اپوزیسیون ونزوئلا را به همراه داشت.

ضبط تصاویر مستهجن با هلی کوپتر!

دیلی استار: ادریان پاگمور افسر خلبان ۵۱ ساله که با هلی کوپتر پلیس مبادرت به ضبط تصاویر مستهجن می کرد، در دادگاه محکوم شد. قاضی پیتر کلسون در جلسه محاکمه این افسر پلیس انگلیسی که حدود دو سال پیش اخراج شد، خطاب به وی گفت: جای تاسف است که تو در کسوت پلیس، از یک هلی کوپتر دو میلیون پوندی که هر ساعت پرواز آن هزار دلار هزینه در بر دارد، به جای انجام ماموریت و تلاش برای تامین امنیت و پیگرد خلاف کاران، برای علایق سخیف شخصی ات استفاده می کردی!

ماجرای پنیر مورد علاقه پوتین

ریامو: تحریم های اروپا و آمریکا در سه سال گذشته، مقامات روسیه را بر آن داشت که واردات پنیر و محصولات لبنی را از تمامی کشورهای اتحادیه اروپا، آمریکا، کانادا، استرالیا و نروژ ممنوع کنند و اکنون بعد از سه سال، تولید کنندگان روسیه با تولید پنیرهای سابق وارداتی، جشنواره ای از تولیدات پنیر خود را در مسکو برگزار می کنند. در این جشنواره پنیرهایی همانند پارمسان، موتزارلا، کاممبر که مورد علاقه مردم روسیه است، در اختیار مصرف کنندگان قرار می گیرد. از سوی دیگر پنیر مورد علاقه رئیس جمهور روسیه نیز به صورت انحصاری با نام پوتین در روسیه تولید می شود.

اظهار نظر روز

لیزی داردن:

داعش چگونه زنان را اغوا می کند؟

روزنامه نگار انگلیسی با طرح این سوال که داعش چگونه زنان را اغوا می کند؟ در ایندیپندنت نوشت: یافته های یک گزارش نشان می دهد زنان و دختران زمانی به داعش می پیوندند که این گروه تروریستی آن ها را با ارائه نسخه ای پیچیده از «قدرتمندسازی» اغوا می کند. طبق تحقیقات اخیر انستیتو سلطنتی بریتانیا، دلایلی که صدها زن را به راحتی از اروپا به قلمروهای داعش سوق داده، «پیچیده» بوده است. امیلی وینتر بوتام، سردبیر این تحقیقات، می گوید استفاده از اصطلاح «عروس جهادی» برای توصیف تمام اعضای مونث داعش واقعیت را تقلیل می دهد. وی به ایندیپندنت می گوید: «تحقیقات ما نشان می دهد این روایت ها بر برداشت مردم از رادیکالیسم زنان داعشی تاثیر گذاشته است. اغلب زنانی که با آن ها مصاحبه کردیم اعتقاد داشتند زنانی که به داعش پیوستند توسط مردان، شبکه اجتماعی و ازدواج به دام افتادند و مردان نقش آدم های بد را داشتند.» به گفته وی «می توان عقلانیت ضمنی را اطراف رادیکالیسم مردان و به همین ترتیب اطراف زنان داعشی مشاهده کرد... روند تصمیم گیری این افراد صرفا با شست وشوی مغزی و آلت دست قرار گرفتن انجام نمی شود، عقلانیت واضحی وجود دارد.» کشش های احتمالی به داعش را می توان به این دلایل دانست: «امتناع از فمینیسم غربی، تماس آنلاین با داوطلبان داعش که پیشنهاد ازدواج و ماجراجویی می دهند، تاثیر خانواده یا همکاران و شوهر، تعلق خاطر به ایدئولوژی داعش، ساده لوحی یا خوش بینی رمانتیک و فرصتی برای این که بخشی از چیزی جدید باشند، هیجان و نافرمانی.» وینتر بوتام، پژوهشگر ارشد در آر یواس آی این تحقیق را در کشورهای بریتانیا، کانادا، فرانسه، آلمان و هلند انجام داده است. محققان پس از صحبت با مردان و زنانی که زنان حامی داعش را می شناختند یا در برنامه های کاهش رادیکالیسم کار کرده اند، به این نتیجه می رسند که برخی از زنان، داعش را به رغم به سلطه گرفتن زنان، اجبار خشونت آمیز در اجرای تفسیر خود از شریعت و نسل کشی علیه ایزدی ها، منبع «توانمندسازی» می دانستند. برخی از مصاحبه شوندگان به محققان گفته اند زنانی که به داعش ملحق شدند «عمدا به دنبال به چالش کشیدن همزمان نرم های جنسیتی سنتی و نرم های جنسیتی تحمیل شده از غرب و در پی به دست آوردن هویتی جدید برای خود بودند.» تشکل های مدنی می گویند بخشی از ماجرا به این دلیل بود که از جامعه ای وسیع تر دور افتاده بودند به ویژه در کشورهایی همچون فرانسه و هلند. آن جایی که پژوهش روی مردان جنگجوی خارجی باز گشته به کشور خودشان نیز متمرکز می شود، به این نتیجه می رسد که رادیکالیزه شدن همچنین به واسطه جاذب هایی همچون حملات اسلام هراسانه، رکود اقتصادی، تصور فقدان تعلق خاطر و ناکامی در ادغام در جامعه انجام می شود. وینتر بوتام می گوید کسانی که در خانواده های به شدت محافظه کار زندگی می کنند نیز می توانند در برابر تبلیغات داعش آسیب پذیر باشند و زمان زیادی را با نفوذ آنلاین رادیکال سپری کنند. او ادامه می دهد: «موضوع فقط آسیب پذیری ساده لوحانه «عروس های جهادی» نیست، زنان داعشی می گویند این گروه خط پیوند ما با عقاید، باورهای سیاسی و این واقعیت است که می خواهم آن طور که می خواهم زندگی کنم.» اما طنز ماجرا اینجاست که وقتی به آن جامی رسند می بینند از این خبر هانیست. «زنان به دلیل نقض قانون شریعت توسط داعش سنگسار شده اند، شلاق خورده اند یا به قتل رسیده اند و همزمان دست کم یک عروس جهادی - سمرا کسینویچ دختر نوجوان اتریشی - هنگام تلاش برای فرار تا سر حد مرگ کتک خورد.

تبلیغ پدیده‌ای فرهنگی است